

## راهبرد پژوهی سیستم کنترل رژیم صهیونیستی در برابر نفوذ منطقه‌ای ج.ا.ایران

امیر عباسی خوشکار<sup>۱</sup>، فرهاد قاسمی<sup>۲</sup>

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۱/۰۵/۱۸

تاریخ دریافت: ۱۴۰۱/۰۴/۱۶

### چکیده

تقابل راهبردی رژیم صهیونیستی و جمهوری اسلامی ایران در قالب رویکردها و نظریه‌های مختلف روابط بین‌الملل و به‌طور خاص نظریه‌های جریان اصلی مورد بررسی و مطالعه محققان مطالعات منطقه غرب آسیا قرار گرفته است. در مقاله حاضر نگارنده به دنبال ارائه رویکرد پژوهشی متفاوت نسبت به بررسی رقابت راهبردی مذکور است و در ادامه با طرح الگوی نظری متفاوت به دنبال تبیین دقیق‌تر از محتوا و تبارشناسی سیستم کنترل رژیم صهیونیستی در برابر جمهوری اسلامی ایران و محور مقاومت برآمده است. سؤال پژوهش پیش روی این است که راهبرد رژیم صهیونیستی جهت کنترل قدرت نفوذ منطقه‌ای جمهوری اسلامی ایران به چه صورت بوده و اجزای آن کدام است؟ یافته‌های پژوهش حاکی از آن است که سیستم کنترل رژیم صهیونیستی در برابر جمهوری اسلامی ایران به صورت شبکه‌ای و هوشمند درآمده است و از پنج جزء خرده شبکه دسترسی درون سرزمینی، خرده شبکه جاسوسی در همسایگان مرزی، خرده شبکه متحدین منطقه‌ای، خرده شبکه قدرت‌های فرامنطقه‌ای و استفاده محدود از قدرت نظامی تشکیل شده است. روش پژوهش مقاله حاضر توصیفی-تبیینی و روش جمع‌آوری داده‌ها اسنادی است.

**کلیدواژه‌ها:** رژیم صهیونیستی، سیستم کنترل شبکه‌ای هوشمند، جمهوری اسلامی ایران، شبکه نظم امنیتی، خوشه‌های ژئوپلیتیکی.

۱. دانش‌آموخته دکتری روابط بین‌الملل دانشگاه تهران (نویسنده مسئول). [khoshkar1392@yahoo.com](mailto:khoshkar1392@yahoo.com)

۲. دانشیار روابط بین‌الملل دانشکده حقوق و علوم سیاسی دانشگاه تهران. [faghasemi@ut.ac.ir](mailto:faghasemi@ut.ac.ir)

## مقدمه

تقابل راهبردی جمهوری اسلامی ایران و رژیم صهیونیستی به‌عنوان یکی از مبانی اساسی در سیاست خارجی رژیم صهیونیستی تبدیل شده است و از فراز و نشیب‌های بسیاری برخوردار بوده است. شکست رژیم صهیونیستی در جنگ سی‌وسه روز با حزب‌الله لبنان و ترور دانشمندان هسته‌ای ایرانی توسط عوامل موساد نشان‌دهنده تلاش هر دو بازیگر منطقه‌ای جهت مرعوب و تضعیف ساختن طرف مقابل است. تغییر نظم امنیتی و ائتلاف‌های چندجانبه یکی از دلایل تحول در رقابت‌های امنیتی رژیم صهیونیستی و جمهوری اسلامی ایران بوده است. عوامل تأثیرگذار بر توازن دفاع تهاجم و آسیب‌پذیری‌های امنیتی ایران و رژیم صهیونیستی توسط محققان مسائل امنیتی غرب آسیا در قالب بهره‌گیری از نظریه‌های مختلف مورد بررسی قرار گرفته است.

عواملی مانند نظم امنیتی منطقه‌ای، توزیع قدرت، توانمندی‌های تسلیحاتی و اقتصادی ملی، حمایت قدرت‌های فرامنطقه‌ای، فرهنگ راهبردی، روانشناسی رهبران سیاسی و راهبردهای منطقه در رفتارهای امنیتی هر دو بازیگر منطقه‌ای نقش‌آفرین بوده‌اند. افزایش پیچیدگی‌های رفتاری و چندلایه شدن نظم امنیتی منطقه غرب آسیا سبب شده است تا ابزارهای نظری و مفهومی کلاسیک نتوانند کارآمدی تبیینی لازم را جهت مطالعه رفتارهای امنیتی رژیم صهیونیستی در برابر نفوذ منطقه‌ای جمهوری اسلامی ایران داشته باشند. رویکرد پژوهشی متفاوت نسبت به راهبردهای تقابلی جویانه رژیم صهیونیستی در برابر جمهوری اسلامی ایران و بهره‌گیری از مفاهیم جدید و متناسب با بافت مسئله مورد پژوهش یکی از اهدافی است که در این مقاله دنبال می‌شود. اهمیت و ضرورت نگارش مقاله حاضر را می‌توان در دو بعد استفاده از رویکرد شبکه‌ای به‌عنوان رویکردی جدید در تبیین مسائل راهبردی و توضیح راهبرد کنترل رژیم صهیونیستی در برابر جمهوری اسلامی ایران به‌عنوان مهم‌ترین رقیب راهبردی منطقه‌ای و چالشگر امنیتی موجود مورد ملاحظه قرار داد.

در پژوهش پیش روی، نگارنده با استفاده از رویکرد شبکه‌ای و با بهره‌گیری از مفاهیمی مانند سیستم کنترل و راهبردهای مهارکننده به دنبال تبیین رفتار راهبردی رژیم صهیونیستی در

چارچوب نظم شبکه‌ای شده امنیتی منطقه غرب آسیا در برابر جمهوری اسلامی ایران از سال ۱۹۴۸ تا ۲۰۲۲ است. سؤال پژوهش پیش روی این است که راهبرد رژیم صهیونیستی جهت کنترل منطقه‌ای جمهوری اسلامی ایران به چه صورت بوده است و اجزای آن کدام است.

## مبانی نظری و پیشینه‌شناسی تحقیق

### پیشینه‌شناسی تحقیق

در حوزه مطالعات اسراییل پژوهی و رقابت‌های راهبردی منطقه‌ای آثار متعددی به چاپ رسیده است. دهشیری (۱۳۹۵)، در مقاله‌ای با عنوان «عرصه‌های تقابل هوشمند انقلاب اسلامی با رژیم صهیونیستی» به حوزه‌های تقابل نرم‌افزاری رژیم صهیونیستی و جمهوری اسلامی ایران در ابعاد رسانه‌ای و تحریم‌های اقتصادی پرداخته است. خدیمی (۱۳۹۹)، در قالب بهره‌گیری از رویکرد واقع‌گرایانه به تقابل نظامی رژیم صهیونیستی و جمهوری اسلامی ایران طی چهار دهه گذشته پرداخته است. خدیمی با استفاده از دو مفهوم بازدارندگی و بردهای کوتاه‌مدت نظامی به تاریخچه جنگ‌های رژیم صهیونیستی در چهار دهه اخیر پرداخته است. کیایی و زارعی (۱۳۹۹)، در مقاله «تقابل راهبردی جمهوری اسلامی ایران و رژیم صهیونیستی در منطقه استراتژیک قفقاز» به رقابت‌های راهبردی این دو بازیگر منطقه‌ای در قبال با یکدیگر در منطقه قفقاز در حوزه‌های سیاسی و اقتصادی پرداخته است.

در حوزه آثار انگلیسی‌زبان، ایلام (ایلام، ۲۰۲۲) در کتاب «راهبردهای اسراییل در خاورمیانه: مورد ایران» به بررسی تحول در راهبردهای رژیم صهیونیستی در برابر جمهوری اسلامی ایران در چارچوب واقع‌گرایی تهاجمی پرداخته است؛ وی نگاه تهاجمی این رژیم در برابر ایران را مهم‌ترین دلیل رویکرد جنگ‌طلبانه رژیم صهیونیستی در برابر محور مقاومت می‌داند. کریستین آروین (آروین، ۲۰۱۸)، در سال ۲۰۱۸ با نگارش کتاب «جنگ هسته‌ای ایران و اسراییل» به تقابل نظامی این دو بازیگر منطقه‌ای در دهه‌های آینده به‌عنوان سناریویی محتمل اشاره کرده است. نگاه راهبردی برآمده از اعتماد به نفس کاذب اسراییل مهم‌ترین دلیلی است که آروین به‌عنوان مسیر تقابل نظامی به آن مورد بررسی قرار داده است.

فورلان (فورلان، ۲۰۲۲)، با بررسی تاریخچه روابط پرتنش ج.ا.ایران و رژیم صهیونیستی در جمع‌بندی کتاب خود می‌نویسد روند تنش‌ها نشان می‌دهد که اسرائیل همواره به دنبال بازدارندگی در برابر ج.ا.ایران بوده است و هرگونه افزایش تنش‌های بی‌مورد را برای خود هزینه‌ساز می‌داند. آثار فوق در چارچوب رویکرد واقع‌گرایی نوشته شده‌اند و عمدتاً با استفاده از مفهوم موازنه سخت‌افزاری قدرت به دنبال تبیین و پیش‌بینی روابط رژیم صهیونیستی و جمهوری اسلامی ایران بوده‌اند. بهره‌گیری از رویکرد شبکه‌ای در کنار تبیین دقیق راهبردهای کنترل رژیم صهیونیستی در برابر جمهوری اسلامی ایران؛ بر اساس تغییرات موجود در نظم امنیتی منطقه غرب آسیا مهم‌ترین وجه تمایز پژوهش حاضر را تشکیل می‌دهند.

### مبانی نظری

الگوهای نظری نقش راهنما و انسجام‌دهنده معنایی را به داده‌های میدانی و تبدیل آن‌ها به اطلاعات غنی شده از تحلیل‌های تبیینی در مطالعات راهبردی بر عهده دارند. الگوهای نظری مختلف با مرتبط ساختن متغیرهای تبیینی به یکدیگر به دنبال ایجاد دستگاه نظری منسجم جهت توضیح و توصیف پدیده‌های امنیتی و سیاسی هستند؛ هرچه الگوی پژوهشی از توانایی تبیینی بیشتری در پوشش تمامی ابعاد پدیده‌های راهبردی برخوردار باشد از کارآمدی تبیینی بیشتری بهره‌مند خواهد بود. الگوهای مختلف نظری در مطالعات راهبردی مانند واقع‌گرایی، لیبرالیسم، سازه‌انگاری و مکتب انگلیسی با وجود کاستی‌هایی که توسط منتقدان ذکر شده است؛ همچنان مورد استفاده بسیاری از پژوهشگران روابط بین‌الملل قرار گرفته‌اند. با توجه به افزایش پیچیدگی‌های بافت و محیط راهبردی کنش‌ورزی بازیگران منطقه‌ای، بهره‌گیری از نظریه‌های کلاسیک روابط بین‌الملل نمی‌تواند به افزایش دقت بیشتر پژوهش حاضر کمک کند؛ از این رو نگارنده به دنبال ارائه الگوی پژوهشی جدیدی است تا ضمن تبیین مورد مطالعاتی حاضر به طرح الگویی جدید جهت توضیح راهبردهای منطقه‌ای بازیگران منطقه‌ای بپردازد. سازه نظری پیش رو ترکیبی است از رویکرد شبکه‌ای و پیچیدگی به محیط

راهبردی کنش‌ورزی امنیتی بازیگران منطقه‌ای و بهره‌گیری از منطق بازدارندگی مبتنی بر تعادل دفاع-تهاجم که به صورت به روز شده جهت تطبیق با شرایط پیچیده حاضر مورد استفاده قرار خواهد گرفت.

### نظم امنیتی پیچیده و شبکه‌ای شده

نظم امنیتی یکی از مهم‌ترین مفاهیم محوری در مطالعات راهبردی و واقع‌گرایی محسوب می‌شود. نظم‌های امنیتی در دو سطح منطقه‌ای و جهانی بر اساس قطب‌بندی‌های قدرت و مبتنی بر بازیگری واحدهای دولتی و چگونگی کنش‌ورزی امنیتی آن‌ها با یکدیگر تعریف می‌شوند. کانتوری و اشیگل از سه نوع سیستم در مطالعات امنیتی و منطقه‌ای نام می‌برند. سیستم مسلط، سیستم تابعه (منطقه) و سیستم داخلی. هر سیستم تابعه در برگیرنده مجموعه‌ای از دولت‌ها با مجاورت جغرافیایی است که در آن مسائل امنیتی در تعامل میان واحدها رخ می‌دهد و مدیریت می‌شود. بر اساس چهار متغیر سطح و میزان انسجام، ماهیت ارتباطات، سطح قدرت و ساختار روابط نظم‌های تابعه به سه بخش تقسیم می‌شوند. بخش مرکزی، بخش پیرامونی و قدرت مداخله‌گر (کانتوری و اشیگل، ۱۹۷۰: ۵۱).

لیک و مورگان مانند بوزان و ویور به بررسی مجموعه‌های امنیتی پرداختند. برخلاف بوزان این دو محقق نقش عوامل امنیتی را در شکل‌گیری مناطق برجسته ساختند و قدرت‌های بزرگ را به عنوان بخشی از مجموعه‌های امنیتی به حساب آوردند. لیک و مورگان تهدیدات را جایگزین منافع متغیر جغرافیایی، تاریخی، وابستگی و دیگر متغیرها می‌نمایند. به نظر این دو محقق الگوهای دوستی و دشمنی که در مجموعه‌های سرزمینی خود را نمایان می‌سازند همگی نوعی نسخه‌های بدلی متغیرهای دیگر می‌باشند؛ در این دیدگاه قدرت‌های بزرگ بر اساس عنصر درک تهدیدات در اغلب مجموعه‌های امنیتی مشارکت مستقیم دارند و بنابراین بخشی از مجموعه‌های امنیتی محسوب می‌شوند. برای بررسی دقیق‌تر پویایی قدرت در سطح میانی و منطقه‌ای علاوه بر مناسبات دو و چندجانبه و نقش قدرت‌های مداخله‌گر در پویایی قدرت باید به نظم‌ها و الگوهای مدیریت بحران در مطالعه سطح میانی توجه نمود (لیک و مورگان، ۱۹۹۷: ۶۰).

شبکه‌ای شدن نظم‌های امنیتی سبب شده است تا پیوندهای مبتنی بر کنش‌ورزی‌های ایجابی و سلبی امنیت‌ساز و امنیت‌زدا در تلاقی نظم‌های امنیتی منطقه‌ای و جهانی ضمن محیط‌شدن بر رفتارهای راهبردی بازیگران به صحنه بازیگری آن‌ها تبدیل شوند. در نظم‌های امنیتی شبکه‌ای شده قدرت هوشمند بر اساس بهره‌گیری از ابزارهای نرم‌افزاری و سخت‌افزاری تعریف می‌شود و واحدهای امنیتی با استفاده از قدرت هوشمند به‌دنبال تغییر در توزیع تهدیدات و برهم‌زدن نقطه ثبات راهبردی رقبای راهبردی جهت ایجاد شبکه‌ی نظم امنیتی مطلوب خود هستند. در شبکه‌ی نظم امنیتی مناطق توزیع تهدیدات با استفاده از دست‌کاری در گره‌های ایجابی به کمک قدرت هوشمند شکل‌دهنده به نوع نظم امنیتی هستند؛ لذا برخی شبکه‌های نظم امنیتی تک‌کانونی، دو‌کانونی و چندکانونی خواهند بود. نظم‌های امنیتی به دلیل پیوند شبکه‌ای با سایر نظم‌های امنیتی مناطق و نظم جهانی از درجه‌های متفاوت نفوذپذیری و نفوذگذاری برخوردار هستند (الکادیانی، ۲۰۱۰: ۵۵).

نظم‌های شبکه‌ای شده‌ی امنیتی مناطق تنها بر اساس توزیع تهدیدات و کانون‌های ارتباطی تبیین نمی‌شوند؛ بلکه وجود خوشه‌های مختلف جغرافیایی موجود در آنها و سه لایه پیوندهای ژئوپلیتیکی، ژئواکونومیک و ژئوکالچری سبب افزایش پیچیدگی و چندمتغیری شدن رویکرد تحلیلی شده است. برخی واحدهای کوچک منطقه‌ای تنها در یکی از خوشه‌های جغرافیایی به‌عنوان مثال خوشه‌ی خلیج فارس در غرب آسیا نقش‌آفرینی می‌کنند و برخی واحدها مانند عربستان در دو خوشه‌ی جغرافیایی مانند خلیج فارس و شامات می‌توانند به ایفای نقش پردازند. برخی واحدها بازیگران تک لایه هستند و تنها در لایه‌ی ژئوپلیتیکی نقش‌آفرینی می‌کنند و برخی واحدها در چند خوشه و چند لایه به‌صورت همزمان در شبکه‌ی نظم امنیتی منطقه‌ای در پیوند سلبی و ایجابی با واحدهای مداخله‌گر فرمانطقه‌ای رفتارهای راهبردی خود را سامان می‌دهند.

### نسل‌های مختلف سیستم کنترل

هدف از رفتارهای راهبردی واحدهای منطقه‌ای در شبکه‌ی نظم‌های منطقه‌ای مدیریت تهدیدات راهبردی بر اساس سیستم کنترلی است که توسط هریک از بازیگران طراحی و عملیاتی می‌شود. بازیگران هوشمند بر اساس نوع و محتوای نظم‌های امنیتی سیستم‌های کنترل مختلفی را اتخاذ می‌کنند. به نظر نگارنده سیستم‌های کنترل به سه دسته سیستم‌های کلاسیک سخت‌افزاری،

سیستم‌های پیچیده نیابتی و سیستم‌های شبکه‌ای هوشمند تقسیم‌بندی می‌شوند. سیستم‌های کنترل کلاسیک سخت‌افزاری با استفاده از مداخله‌گری مستقیم در ضایعه‌های امنیتی و با بهره‌گیری از قدرت سخت‌افزاری به‌دنبال مهار و مدیریت تهدیدات راهبردی هستند. جنگ سال ۲۰۰۳ آمریکا در عراق یکی از مهم‌ترین مثال‌هایی است که در حوزه استفاده از سیستم کنترل نوع اول توسط آمریکا به کار برده شده است. در نظم‌های ساده و خطی امنیتی که ورودی‌ها و خروجی‌های نظم‌ها به همراه تعاملات امنیتی در آن‌ها به صورت پیش‌بینی‌پذیر و ساده وجود دارد، سیستم‌های نوع اول از کارآمدی قابل توجهی برخوردار هستند و قدرت سخت‌افزاری ابزار کافی در مدیریت تهدیدات محسوب می‌شود.

در سیستم پیچیده نیابتی منطق مدیریت تهدیدات و شکل کنترل دچار تحول می‌شود. زیربنای تحول مذکور تغییر محتوایی در نظم امنیتی و تبدیل آن به نظم پیچیده پیش‌بینی‌ناپذیر است؛ در این نوع از نظم، پیچیدگی تهدیدات سبب می‌شود تا واحد کنترل‌کننده از واحدهای نیابتی استفاده کند و از مداخله مستقیم بپرهیزد؛ از این‌رو کاهش هزینه‌های کنترل تهدیدات راهبردی در نظم‌های پیچیده مهم‌ترین عامل در تغییر سیستم کنترل محسوب می‌شود؛ به‌عنوان مثال کنترل محور مقاومت توسط آمریکا در خوشه‌های شامات و خلیج فارس توسط واحدهای دولتی نیابتی عربستان سعودی، امارات متحده عربی و رژیم صهیونیستی انجام می‌شود و مداخله سخت‌افزاری آمریکا به حداقل خود رسیده است.

با شبکه‌ای شدن نظم‌های امنیتی نوع سیستم‌های کنترل نیز دچار تحول شده است. در نظم‌های شبکه‌ای شده امنیتی تهدیدات در قالب شبکه‌ای از ارتباطات متکثر و سیال با قدرت پیش‌بینی‌ناپذیری گسترده به وقوع می‌پیوندند و ابزارهای سخت‌افزاری و دولتی متمرکز

توانایی مدیریت این نوع از تهدیدات را به صورت کارآمد ندارند. سیستم کنترل شبکه‌ای هوشمند با بهره‌گیری از گره‌های ارتباطی در قالب محیط عملیاتی سرتاسر شبکه نظم امنیتی و خوشه‌های جغرافیایی به هم پیوسته شبکه‌ای شده مناسب‌ترین برخورد با تهدیدات مذکور خواهد بود.

استفاده از قدرت هوشمند و نگاه شبکه‌ای به محیط عملیاتی در قالب نگاه همزمان به لایه‌های ژئوپلیتیکی، ژئوکالچری و ژئواکونومیکی و بهره‌گیری از واحدهای دولتی، حزبی، گروهی، جریانی، سیستم‌های اطلاعاتی خرد و فردی و دیگر ابزارهای خرد دیگر به صورت همزمان جهت مدیریت تهدیدات راهبردی مهم‌ترین دستورالعمل مطرح شده در سیستم کنترل نوع سوم است. مهار پدیده بنیادگرایی افراطی و داعش در شبکه نظم امنیتی غرب آسیا با استفاده از سیستم‌های کنترل نوع اول و دوم امکان‌پذیر پر هزینه و ناکارآمد شده است و بهره‌گیری از سیستم کنترل نوع سوم است که می‌تواند به مهار ضایعه امنیتی مذکور کمک کند. واحدهایی که با هوشمندی و ادراک راهبردی دقیق توانایی تطبیق با بافت شبکه‌ای شده نظم امنیتی موجود را داشته باشند از توانایی بیشتری در مهار رقبا و بحران‌های راهبردی موجود برخوردار خواهند بود.

### الگوی پژوهشی پیشنهادی

الگوی پژوهشی حاضر از چارچوبی محیط‌گرایانه و نخبه‌محور برخوردار است. تحول در محیط راهبردی و نظم امنیتی و ادراک نخبگان امنیتی از این محیط و در مرحله بعد طراحی سیستم و راهبردی به منظور مهار تهدیدات با توجه به تحولات و دگر دیسی‌های موجود به صورت کنش‌مند و تأثیرگذار محور الگوی حاضر را تشکیل می‌دهند. تحول در نظم‌های امنیتی ریشه در تحول در پویا قدرت دارد؛ در واقع دگرگونی در پویا قدرت و حضور بازیگران مختلف امنیت‌ساز و امنیت‌زدا و به دنبال آن تحول در کنش‌ورزی‌های امنیتی از حالت ساده و خطی به پیچیده و شبکه‌ای سبب شده است تا پویا قدرت به تهدیدات موجود شکل پیچیده و شبکه‌ای شده‌تری بدهد؛ به عنوان مثال حضور بازیگران غیردولتی،



جریان‌ها و مکاتب فکری صاحب قدرت اقتصادی، سیاسی و اعتقادی سبب شده است؛ این بازیگران در سه لایه ژئوپلیتیکی، ژئوکالچری و ژئواکونومیک به صورت در زمان و در مکان به ایفای نقش پردازند. تهدیدات برخاسته از این شبکه پیچیده متعامل نیازمند سیستم‌های کنترل شبکه‌ای شده و هوشمند هستند.

واحد دولتی در چنین محیطی به دنبال مدیریت و کنترل تهدیدات امنیتی با استفاده از راهبردهای امنیتی و سیستم‌های کنترلی مناسب با شرایط پیش رو هستند. (بال، ۱۹۹۲) هر واحدی که ادراک درست‌تر از محیط راهبردی نوظهور و طراحی مناسب‌تر و اجرای کارآمدتر در سیستم کنترل داشته باشد از توانمندی راهبردی بیشتری برخوردار خواهد بود (مارتین، ۲۰۱۹). در سیستم کنترل کلاسیک تهدیدات دولت‌محور، ژئوپلیتیکی و سیستم بازدارندگی بر اساس برخورد سخت‌افزاری با تهدیدات جهت تغییر موازنه قدرت-تهدید صورت می‌پذیرفت. در این نسل از سیستم کنترل، نقطه ثبات راهبردی<sup>۱</sup> رقا از طریق بر هم زدن توازن قدرت مادی و از بین بردن تهدید وجودی رقیب تغییر پیدا می‌کرد؛ به عنوان مثال حمله نظامی آمریکا به عراق درگیری مستقیم دو دولت جهت تغییر نقطه ثبات راهبردی یکدیگر از طریق ابزارهای سخت قدرت جهت از بین بردن توانمندی‌های تهدید یکدیگر بود (انتوس، ۲۰۲۰: ۲۱).

در سیستم کنترل نوع دوم، تهدیدات از طریق واحد نیابتی مهار و در مراحل بعدی نابود می‌شود و به دلیل هزینه‌های زیاد حضور مستقیم نظامی این امر توسط بازیگران نیابتی و متحدین منطقه‌ای انجام می‌شود. بر هم زدن موازنه قدرت-تهدید به نفع خود جهت تغییر نقطه ثبات راهبردی رقا منطق محوری بهره‌گیری از این نوع از سیستم کنترل را تشکیل می‌دهد. با شبکه‌ای شدن تهدیدات، نوع تهدیدات در سه لایه ژئوپلیتیکی، ژئواکونومیک و ژئوکالچری به صورت همزمان حضور پیدا کرده‌اند و مقابله با آن‌ها از طریق دستکاری در

۱. به وضعیتی گفته می‌شود که در آن ثبات راهبردی مطلوب مبتنی بر قرارگرفتن بازدارندگی در موقعیت تهاجمی و تدافعی مطلوب امکان‌پذیر است؛ این وضعیت از پویایی و سیالیت بالایی برخوردار است. مطلوبیت راهبردی این وضعیت ممکن است کم و زیاد شود.

گره‌های ارتباطی شبکه نظم امنیتی منطقه از طریق قدرت هوشمند جهت تغییر تعادل آسیب-فرصت به ضرر رقیب راهبردی و در آخر تغییر نقطه ثبات راهبردی رقیب صورت می‌گیرد. با دست‌کاری در گره‌های ارتباطی در شبکه و ایجاد و تغییر مسیر تهدیدات، تعادل فرصت-آسیب به ضرر رقیب راهبردی با بهره‌گیری از فضای سراسری شبکه نظم منطقه تغییر پیدا می‌کند و به تبع آن نقطه ثبات راهبردی رقیب دچار تحول می‌شود.

### شکل ۱. آناتومی سیستم‌های سه‌گانه کنترل



(منبع: نگارنده)

## روش‌شناسی تحقیق

پژوهش پیش رو به لحاظ هدف کاربردی است و روش آن توصیفی-تبیینی با رویکرد اکتشافی است و در زمره تحقیقات کیفی دسته‌بندی می‌گردد. داده‌های کیفی این تحقیق از گردآوری و مطالعه منابع اسنادی و کتابخانه‌ای به دست آمده است. نگارنده به دنبال ارائه

تبیینی کلان از رفتارهای تخصص‌آمیز رژیم صهیونیستی در برابر جمهوری اسلامی ایران است تا با استفاده از معرفت حاصل شده راهکارهایی جهت مقابله مؤثرتر با این رژیم ارائه شود. در مقاله حاضر از روش پژوهش توصیفی-تبیینی برای توضیح روابط بین متغیرها و توصیف آن‌ها استفاده می‌شود. در این روش متغیرهای تأثیرگذار توصیف می‌شوند و با استفاده از رویکرد شبکه‌ای تعامل متغیرها با یکدیگر تبیین می‌شوند؛ در این روش تلاش می‌شود تا با دستیابی و بهره‌برداری از داده‌های معتبر، پژوهش از اعتبار اطلاعاتی بالاتری برخوردار شود؛ همچنین به منظور افزایش اعتبار و غنی‌تر ساختن یافته‌های پژوهش، نگارنده از جامعه آماری ۲۰ نفره از اساتید دانشگاه و دانشجویان دکترای رشته‌های روابط بین‌الملل و مطالعات منطقه‌ای دانشگاه تهران و اعمال نظرات کارشناسی جامعه هدف استفاده کرده است.

## یافته‌های تحقیق و تجزیه و تحلیل داده‌ها

### تحول در شبکه نظم امنیتی غرب آسیا

توزیع تهدیدات در خوشه شامات و خوشه‌های مجاور در قالب نظم‌های مختلف امنیتی سبب شده تا راهبردهای امنیتی رژیم صهیونیستی تغییر کند. با شکل‌گیری رژیم صهیونیستی پس از پایان جنگ دوم جهانی در سرزمین‌های اشغالی شبکه نظم امنیتی غرب آسیا و به‌طور خاص خوشه شامات دچار تحول اساسی شد؛ این تغییر به صورت خطی نبوده است و رژیم صهیونیستی توانسته است با طراحی‌های راهبردی مختلف به شکل‌گیری تحولات کمک کند.

### شبکه نظم امنیتی ناسیونالیسم عربی؛ تهدید بقای سرزمینی

به دلیل ماهیت اشغالی و اجباری حضور رژیم صهیونیستی در سرزمین‌های عربی-فلسطینی پس از اعلام استقلال این رژیم شبکه اتحاد گسترده‌ای به صورت تهدید وجودی و سرزمینی بر علیه رژیم صهیونیستی ذیل چتر ملی‌گرایی عربی شکل گرفت (ساسانیا، ۱۳۹۷: ۵۱). بازیگران دولتی و غیردولتی خوشه‌های شامات و خلیج فارس جهت از بین بردن صهیونیسم سیاسی-سرزمینی در اراضی فلسطینی جنگ ۱۹۴۸ را علیه رژیم صهیونیستی به راه

انداختند (جهانگیری، ۱۳۹۸: ۲۸). نتیجه اولین نبرد نظامی شکست اعراب و از دست رفتن بخش زیادی از سرزمین‌های فلسطینی بود. جنگ سال ۱۹۵۶ بر سر کانال سوئز به دلیل دخالت مستقیم قدرت‌های فرامنطقه‌ای به نتیجه‌گیری مشخصی برای اعراب منجر نشد؛ اما جنگ سال ۱۹۶۷ فاجعه ژئوپلیتیکی دیگری را رقم زد.

در ژوئن ۱۹۶۷ حمله رژیم صهیونیستی به مصر و سپس اردن آغاز شد. با سقوط شهر قنیه ۱۲۶۰ کیلومتر از جولان اشغال شد؛ در این نبرد با اشغال کامل صحرای سینا از خاک مصر، نوار غزه، کرانه غربی رود اردن و بلندی‌های جولان ۶۸۰۰ کیلومتر از خاک کشورهای همسایه رژیم صهیونیستی به تصرف درآمد (لطفی، ۱۴۰۰: ۶۱). سرزمینی که ۶۰ درصد آب رژیم صهیونیستی و همچنین امنیت این رژیم را تأمین می‌کند. حاکمیت رژیم صهیونیستی بر جولان برتری راهبردی برای رژیم صهیونیستی به دنبال داشته است؛ از جمله پایگاه ارتش این کشور را در ۳۵ کیلومتری دمشق پایتخت سوریه قرار داد. رژیم صهیونیستی ۴۰ شهرک یهودی‌نشین در این منطقه ایجاد کرده است و به تدریج به انتقال یهودیان به شهرک‌های جدید ادامه می‌دهد (حمیدی، ۱۴۰۰: ۱۳۲). جنگ یوم کیپور در سال ۱۹۷۳ ثابت کرد راه حل نظامی ناسیونالیسم عربی نخواهد توانست جهت مقابله با رژیم صهیونیستی کارآمدی لازم را داشته باشد و تنها سبب تغییر صورت‌بندی ژئوپلیتیک خوشه‌شامات به نفع این رژیم خواهد شد. نقطه اوج آغاز اضمحلال شبکه نظم امنیتی ناسیونالیسم عربی در غرب آسیا صلح کمپ دیوید در سال ۱۹۷۸ و جدا شدن مصر از صف دشمنان هم‌مرز با رژیم صهیونیستی بود (ابراهیمی کیایی، ۱۳۹۹: ۱۱).

### شبکه نظم امنیتی گروه‌های مقاومت؛ نفوذگذاری فرامرزی و مقابله محدود

با خارج شدن رژیم صهیونیستی از وضعیت تهدید وجودی در قالب شبکه نظم امنیتی ناسیونالیسم عربی و قرار گرفتن آن در شبکه نظم امنیتی گروه‌های مقاومت، تمرکز تهدیدات و شدت تهدیدات دچار تغییرات اساسی شد. صلح کمپ دیوید با مصری‌ها در سال ۱۹۷۸ و اردن در سال ۱۹۹۴ خطر جنگ‌های گسترده نظامی را از مرزهای رژیم صهیونیستی دور

نمود(خدیمی،۱۳۹۹) و زمینه را برای تثبیت مرزها فراهم ساخت؛ در این دوره فروپاشی اتحاد جماهیر شوروی فرصت را جهت بسط نفوذ منطقه‌ای رژیم صهیونیستی در خوشه آسیای مرکزی و قفقاز فراهم کرد. آذربایجان و گرجستان و در سال‌های بعد قزاقستان و ترکمنستان کشورهایایی بودند که با وعده‌های نظامی و اقتصادی به رژیم صهیونیستی نزدیک شدند.

کشورهای تازه استقلال پیدا کرده با نیازهای اقتصادی و فناورانه محیط مناسبی جهت خروج رژیم صهیونیستی از انزوا راهبردی و تقویت حضور در مرزهای جمهوری اسلامی ایران فراهم ساختند. تقویت پیوندهای ژئواکونومیکی و ژئوپلیتیکی با شبکه آسیای مرکزی و قفقاز به تغییر تعادل آسیب- فرصت و به تبع آن تعادل دفاع- تهاجم به نفع رژیم صهیونیستی منجر شد. به باور برخی کارشناسان رژیم صهیونیستی توانسته است فرصت‌ها و آسیب‌های راهبردی را به‌ضرر نیروهای مقاومت تغییر دهد و ضمن کاهش فشارهای راهبردی از موضع تدافعی خارج شود و با در پیش گرفتن دیپلماسی منطقه‌ای در موضع تهاجم قرار گیرد؛ به‌عنوان مثال سرمایه‌گذاری‌ها در منطقه لنگران در جنوب آذربایجان برای بالا بردن سیستم آبیاری منطقه به‌وسیله سیستم‌های آبیاری قطره‌ای، سرمایه‌گذاری در بخش سیستم تلفن همراه آذربایجان با نام باکوسل به‌عنوان اپراتور دوم همکاری با بانک توسعه و صنعت در ساخت مرکز آزاد تجاری در شهر سومقائیت آذربایجان به رژیم صهیونیستی فرصت نزدیک شدن به مرزهای شمالی جمهوری اسلامی ایران را داده است (سعادت قلی پور اذر، ۱۳۹۳: ۱۶۷).

در چارچوب مهم‌ترین شرکای اقتصادی رژیم صهیونیستی در سطح جهان به جز روسیه با ۳ درصد از حجم واردات به سرزمین‌های اشغالی هیچ‌یک از کشورهای آسیای مرکزی و قفقاز نقش مهمی را بازی نمی‌کنند و این رژیم به‌صورت یک جانبه کمک‌های اقتصادی و فنی را به این کشورها منتقل می‌کند. پیوندهای تسلیحاتی، اقتصادی و سیاسی رژیم صهیونیستی با کشورهای استقلال یافته از بلوک شرق به یک اندازه توزیع نشده است؛ بلکه کشورهای آذربایجان و گرجستان در مقایسه با سایر کشورها از اولویت بالاتری برخوردار بوده‌اند (لایین، ۲۰۲۰: ۱۱)؛ همچنین روسیه به دلیل نقش مداخله‌گری در خوشه شامات و پیوندهای سیاسی با جمهوری اسلامی ایران از مهم‌ترین بازیگران این منطقه محسوب

می‌شوند. در سال‌های ۲۰۱۷ تا ۲۰۲۱ رژیم صهیونیستی با تأمین ۲/۵ درصد از صادرات تسلیحات جهان در بین ده صادرکننده برتر قرار داشته است و مهم‌ترین مشتری‌های تسلیحات این رژیم هند، جمهوری آذربایجان و ویتنام بوده‌اند. آذربایجان و ترکیه هر یک با پنج درصد از سهم صادرات رژیم صهیونیستی از مهم‌ترین واردکنندگان تسلیحات از این رژیم محسوب می‌شوند (اسرائیل دهمین صادرکننده بزرگ سلاح، ۲۰۲۰).

در کنار نفوذگذاری امنیتی و اقتصادی در خوشه آسیای مرکزی و قفقاز، مقابله سخت‌افزاری با نیروهای مقاومت در داخل سرزمین‌های اشغالی و حزب‌الله در جنوب لبنان در قالب جنگ‌های محدود و چندروزه در شبکه مقاومت پراکنده سبب هزینه‌های متعددی برای صهیونیست‌ها شد. جدا از حملات کوتاه‌مدت رژیم صهیونیستی علیه لبنان جنوب این کشور از دهه هفتاد تا سال ۲۰۰۰ میلادی صحنه چهار عملیات بزرگ از جانب ارتش رژیم صهیونیستی بوده است. عملیات رودخانه لیتانی در سال ۱۹۷۸، عملیات امنیت الجلیل در سال ۱۹۸۲، عملیات تسویه حساب در سال ۱۹۹۳ و عملیات خوشه‌های خشم در سال ۱۹۹۶ از جمله مقابله‌های محدود نظامی جهت تضعیف گروه‌های پراکنده مقاومت بود (کاتان، ۲۰۰۶: ۲۶).

حزب‌الله یکی از مهم‌ترین گروه‌های مقاومت در مرزهای رژیم صهیونیستی است که توانسته است تعادل آسیب-فرصت را برای این رژیم دچار چالش‌های مستمر کند. تهدیدات حزب‌الله مبنی بر حمله به مناطق الجلیل و هدف قرار دادن تأسیسات هسته‌ای و شیمیایی حاضر در سرزمین‌های اشغالی به تهدید امنیتی برای رژیم صهیونیستی تبدیل شده است. به دلیل پرهزینه بودن حذف بقای سیاسی نیروهای مقاومت و همچنین عدم شکل‌گیری توافقات پایدار با این گروه‌ها رژیم صهیونیستی تاکنون نتوانسته است گروه‌های مقاومت را از نقشه ژئوپلتیک غرب آسیا حذف کند (رجبی، ۱۴۰۰). این گروه‌ها به دلیل تغذیه از منابع ژئوکالچری (فرهنگ مقاومت)، ژئواکونومیکی (منابع مالی) و تسلیحاتی توانسته‌اند به نقش‌آفرینی امنیتی خود ادامه دهند.

### شبکه نظم امنیتی تک‌کانونی محور مقاومت

با تحول ماهوی و شکلی در نظم امنیتی غرب آسیا و شبکه‌ای شدن ظهور تهدیدات و مقابله با آن‌ها راهبردهای اجرایی و بازدارندگی دچار تغییرات محتوایی شده است. تبدیل جمهوری اسلامی ایران به قدرتی منطقه‌ای سبب شده است تا شبکه تک‌کانونی محور مقاومت شکل گیرد. در قالب دگردیسی در شبکه نظم امنیتی دوره قبلی نظم‌سازی، نیروهای مقاومت با مرکزیت تلاش‌های ضد صهیونیستی جمهوری اسلامی ایران به مهم‌ترین بازیگران متحد جهت تضعیف جایگاه رژیم صهیونیستی در چرخه قدرت منطقه‌ای تبدیل شده‌اند.

برخی محققان و نخبگان سیاسی با استفاده از مفهوم هلال شیعی و شبکه مقاومت دامنه نفوذ جمهوری اسلامی ایران را در قالب شبکه وسیعی در سطح منطقه ارزیابی کرده‌اند. مایکل اورن سفیر سابق رژیم صهیونیستی در امریکا (۲۰۱۳-۲۰۰۹) می‌نویسد «بزرگ‌ترین خطر برای اسرائیل هلال استراتژیکی است که از تهران تا دمشق و بیروت گسترش می‌یابد و ما مشاهده کردیم که رژیم اسد سنگ بنای این هلال است.» (ویلیامز، ۲۰۱۳) تهدید راهبردی جمهوری اسلامی ایران برای رژیم صهیونیستی را می‌توان در قالب نفوذ ژئوپلیتیکی منطقه‌ای، توان بالقوه هسته‌ای و توانمندی موشکی خلاصه کرد.

تقویت توانمندی‌های موشکی و بازدارندگی نامتقارن حزب الله سبب شد تا تهدید حزب الله مبنی بر داشتن موشک‌های فراتر از فاتح ۱۱۰ نزد صهیونیست‌ها معتبر تلقی شود. پرواز پهپاد ایوب برفراز سرزمین‌های اشغالی خطر تقویت توانمندی‌های تهاجمی و اطلاعاتی حزب‌الله را برای صهیونیست‌ها بیشتر ساخته است (ساسانیان، ۱۳۹۷: ۴۶). در جریان جنگ داخلی سوریه حزب‌الله پس از آزادسازی القصیر در مناطق مرزی سوریه و لبنان در بهار ۲۰۱۳ که مهم‌ترین نقطه شروع برای حضور آشکار در بحران سوریه بود در عملیات‌های گوناگونی از جمله آزادسازی حلب در سال ۲۰۱۶، آزادسازی دیرالزور و منطقه قلمون در سال ۲۰۱۷ مشارکت داشت (وایت، ۲۰۱۴). در خوشه ژئوپلیتیکی خلیج فارس، یمن مسلط بر باب‌المنندب و دریای سرخ از این قابلیت برخوردار است تا با بستن راه بر کشتی‌های تجاری رژیم صهیونیستی اقتصاد این رژیم را به چالش بکشد (سلیمانی، ۱۴۰۰: ۳۹).

### سیستم کنترل رژیم صهیونیستی در برابر جمهوری اسلامی ایران

سیستم کنترل رژیم صهیونیستی با توجه به نظم‌های امنیتی و نوع تهدیدات دچار دگردیسی شده است. دگردیسی در سیستم کنترل به این معناست که انطباق با نظم محیطی و تهدیدات نوظهور اتفاق افتاده است و سیستم کنترل ضمن بهره‌گیری از ابزارها و تجارب گذشته از روش‌ها و رویکرد جدید و متناسبی برای مقابله با تهدیدات حاضر برخوردار شده است؛ به این معنا که در جعبه ابزارهای راهبردی رژیم صهیونیستی ابزارهای سخت‌افزاری نظامی و نرم‌افزاری ذیل قدرت هوشمند شبکه‌ای در دوره سوم نظم‌سازی و سیستم کنترل نسل سوم به صورت همزمان مورد استفاده قرار می‌گیرند.

#### دگردیسی در راهبردهای جهت‌دهنده به سیستم‌های کنترل

رژیم صهیونیستی در هر سه دوره از نظم‌های امنیتی بررسی شده در بخش‌های قبلی راهبرد امنیتی متناسب با توزیع تهدیدات را مطرح و به کار بسته است. رژیم صهیونیستی از ابتدای شکل‌گیری تا پایان سال ۲۰۲۰ راهبردهای متنوعی را جهت مقابله با تهدیدات منطقه‌ای اتخاذ کرده است. از رهنامه پیرامونی بن‌گورین در دهه ۱۹۵۰ تا رهنامه مرگ با هزاران بریدگی در سال ۲۰۲۱ جهت بردار راهبردها به سمت دور ساختن تهدیدات از سرزمین‌های اشغالی و از بین بردن آنها بوده است. عمق راهبردی اندک این رژیم سبب شده است تا راهبردها عمدتاً بعد تهاجمی و فراهم‌سایگی داشته باشند.

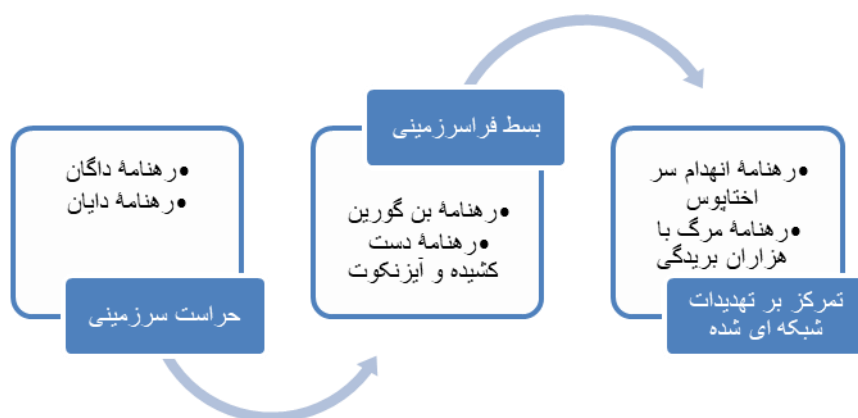
- **رهنامه‌های بن‌گورین، دایان و داگان؛** این رهنامه‌ها در دوره نظم امنیتی ناسیونالیسم عربی در دستور کار راهبرد منطقه‌ای رژیم صهیونیستی قرار گرفت. فرار از انزوای راهبردی و برقراری روابط دیپلماتیک با ترکیه، هند، برخی کشورهای افریقایی و آسیای مرکزی و قفقاز با استفاده از رهنامه بن‌گورین انجام شد. برخورد سخت‌افزاری با نیروهای مقاومت در سرزمین‌های اشغالی و مناطق مرزی در قالب رهنامه‌های دایان و داگان در اوج خشونت‌های فیزیکی و عملیات‌های نظامی صورت پذیرفت (هرزوگ، ۲۰۱۵: ۱۹).



- **رهنامه دست کشیده؛** با برجسته شدن خطر حزب‌الله لبنان، جمهوری اسلامی ایران و متحدین منطقه‌ای آن راهبردهای منطقه‌ای رژیم صهیونیستی متمرکز بر مهار و ضربه‌زدن بر توانمندی‌های جمهوری اسلامی ایران معطوف گردید. رهنامه دست کشیده با تمرکز بر هدف قرار دادن نیروهای نظامی متحد ج.ا.ایران در عراق و سوریه با استفاده از برتری نیروی هوایی و دستگاه جاسوسی متمرکز شده است. استفاده از برتری هوایی نسبت به همسایگان و رسوخ در آسمان کشورهای همسایه جهت بمباران‌های نقطه‌ای و محدود در چارچوب این رهنامه قرار دارد (اهرونهیم، ۲۰۲۰).
- **رهنامه آیزنکوت؛** این رهنامه با قرار دادن حزب‌الله لبنان و سوریه در حلقه اول تهدیدات نزدیک و جمهوری اسلامی ایران در حلقه بعدی بر نگاه کلان پیوندی بین ایران و تهدیدات محیط پیرامونی رژیم صهیونیستی از بازیگران تهیدساز منطقه‌ای دسته‌بندی‌هایی را ارائه کرده است. شناسایی شبکه متحدین منطقه‌ای ج.ا.ایران و رصد پراکندگی آن‌ها در محیط امنیتی رژیم صهیونیستی محورهای اساسی این رهنامه را تشکیل می‌دهند (شاویت، ۲۰۲۰: ۱۶۳).
- **رهنامه انهدام سر اختاپوس؛** در این رهنامه هدف قرار دادن جمهوری اسلامی ایران در خاک سرزمینی خودش محور تلاش‌های رژیم صهیونیستی در جهت تضعیف منطقه‌ای جمهوری اسلامی ایران به‌شمار می‌آید. در این رهنامه قطع بازوهای منطقه‌ای جمهوری اسلامی ایران به‌عنوان کانون محور مقاومت به تنهایی کافی نیست؛ بلکه حمله به جمهوری اسلامی در مرزهای سرزمینی مهم‌ترین عامل پیشگیری محسوب می‌شود.
- **سند امنیتی ۲۰۳۰؛** در سند امنیتی ۲۰۳۰ که در دوره نخست‌وزیری نتانیاهو نوشته شد با متنوع شمردن تهدیدات امنیتی در قالب نظامی، سایبری، موشکی و امنیتی بر نبرد چندلایه با تهدیدات منطقه‌ای جمهوری اسلامی ایران برای رژیم صهیونیستی تأکید شده است. شناسایی شبکه چندلایه تهدیدات جمهوری اسلامی

ایران و لزوم برخورد چندوجهی با تهدیدات مذکور محتوای اصلی سند را شکل می‌دهند (گریگوری نیلور، ۲۰۲۱: ۲۰۵).

- **رهنامه مرگ با هزاران بریدگی**؛ در این رهنامه مانند رهنامه حمله به سر اختاپوس تمرکز بر کانون محور مقاومت است. استفاده از شبکه ارتباطات درون‌سرزمینی و فرامرزی جمهوری اسلامی ایران و رسوخ در آن به منظور ضربه زدن و آسیب‌پذیر نمودن لایه‌های مختلف قدرت دفاعی جمهوری اسلامی ایران در قالب این رهنامه تعریف شده است؛ این رهنامه در دوره نخست‌وزیری نفتالی بنت پیگیری شد.



شکل ۲. دگرذیسی در راهبردهای امنیتی منطقه‌ای رژیم صهیونیستی

(منبع: نگارنده)

### کنترل هوشمند شبکه‌ای

سیستم‌های کنترل رژیم صهیونیستی از سه نسل برخوردار بوده‌اند. در نسل اول با محوریت رهنامه‌های داگان و دایان بهره‌گیری از ابزارهای سخت‌افزاری جهت مقابله با همسایه‌های مرزی و ناسیونالیسم عربی در دستور کار راهبرد منطقه‌ای این رژیم قرار گرفت. ساده و خطی بودن نظم ژئوپلیتیکی در خوشه‌شامات سبب برقراری موازنه سخت نظامی به-عنوان مهم‌ترین راه حل برخورد با بحران تهدید وجودی گردید. ابزارهای سخت نظامی

ضمن حفظ بقای سرزمینی رژیم صهیونیستی، توسعه سرزمینی و افزایش عمق راهبردی را برای صهیونیست‌ها به همراه آورد. با امضای

توافق‌نامه‌های صلح با مصر، اردن و برخی گروه‌های فلسطینی سیستم کنترل نوع دوم بر مبنای ایجاد پیوندهای دیپلماتیک و اقتصادی با برخی بازیگران دولتی جهت مهار نیروهای مقاومت در سطح منطقه در دستور کار مقامات امنیتی قرار گرفت. پیچیده‌شدن نظم امنیتی در غرب آسیا سبب شده است تا راه حل برخورد نظامی مهم‌ترین ابزار مهار تهدیدات نباشد و پیوندهای ائتلافی و دیپلماتیک از اهمیت بالایی برخوردار شوند.

با تغییر نظم امنیتی در غرب آسیا، افزایش هزینه‌های مهار تهدیدات با سیستم‌های کنترل نسل اول و دوم و همچنین ناکارآمد شدن برخورد صرفاً سخت‌افزاری با تهدیدات به شکل-گیری سیستم کنترل نسل سوم کمک کرد. به دلیل شبکه‌ای‌شدن دامنه نفوذ منطقه‌ای جمهوری اسلامی ایران و همچنین افزایش پیچیدگی‌های بافت ارتباطات منطقه‌ای که در آن حوزه‌های ژئوپلیتیکی، ژئواکونومیکی و ژئوکالچر در کنار تقویت ارتباطات واحدهای دولتی و غیردولتی در یکدیگر فشرده شده‌اند سیستم کنترل نسل سوم که با محوریت رویکرد شبکه‌ای به محیط عملیاتی و بهره‌گیری از قدرت هوشمند طراحی شده است مورد استفاده قرار گرفته است.

### ریخت‌شناسی سیستم کنترل شبکه‌ای هوشمند رژیم صهیونیستی

سیستم کنترل شبکه‌ای رژیم صهیونیستی را می‌توان در سه حوزه اصول و پایه، اجزا و نرم‌افزار جهت‌دهنده مورد بررسی قرار داد. پایه‌های شکل‌دهنده به سیستم کنترل رژیم صهیونیستی عبارتند از اول رویکرد شبکه‌ای مبتنی بر هم سطح‌سازی محیط عملیاتی و دوم بهره‌برداری از گسل‌های منطقه‌ای جهت شبکه‌سازی. رویکرد شبکه‌ای هم سطح در طراحی سیستم کنترل به این معنا است که سرتاسر محیط تهدید همچون شبکه‌ای از گره‌های ارتباطی و حوزه‌های هم‌سطح و متصل به یکدیگر ژئوپلیتیک، ژئواکونومیک و ژئوکالچر در نظر گرفته می‌شود که به‌صورت هم‌زمان با قابلیت تبدیل به یکدیگر می‌باید در آن اقدامات هوشمند را به انجام رساند. به‌عنوان مثال اقدامات اطلاعاتی در حوزه ژئوپلیتیکی به‌صورت هم‌زمان در

حوزه ژئواکونومیکی جهت متقاعدسازی متحدین برای اعمال تحریم‌های شدید در حوزه اقتصاد دنبال می‌شود.

طراحی سیستم کنترل رژیم صهیونیستی بر علیه جمهوری اسلامی ایران با بهره‌برداری از فرصت‌های گسل‌های درون‌سرزمینی و برون‌سرزمینی در قالب شبکه‌ای متصل به یکدیگر انجام می‌شود. به‌عنوان مثال گسل ژئوپلیتیکی و ژئوکالچری ج.ا.ایران در برابر امارات و عربستان سبب شده است رژیم صهیونیستی با طرح مفهوم تهدید مشترک منطقه‌ای توانست زمینه‌های همکاری‌های مشترک چندجانبه را جهت مهار محور مقاومت فراهم سازد. نرم‌افزار جهت‌دهنده به سیستم کنترل، رهنامه‌هایی هستند که توسط نخبگان امنیتی مطرح می‌شوند. رهنامه‌های بن-گورین، دست‌کشیده و سند امنیتی ۲۰۳۰ در این بخش از سیستم کنترل قرار می‌گیرند. اجزای سیستم کنترل رژیم صهیونیستی از پنج جزء تشکیل می‌شوند که عبارتند از: خرده شبکه دسترسی درون‌سرزمینی، خرده شبکه جاسوسی در همسایگان مرزی، خرده شبکه متحدین منطقه‌ای، خرده شبکه امنیتی و بهره‌گیری محدود از قدرت سخت‌افزاری.



شکل ۳. آناتومی سیستم کنترل شبکه‌ای هوشمند رژیم صهیونیستی

(منبع: نگارنده)

## کاربست سیستم کنترل شبکه‌ای رژیم صهیونیستی

پس از طرح مباحث نظری و مفهومی در بخش‌های قبل در بخش آخر نگارنده به دنبال کاربردی‌ترین میدانی الگوی نظری پیشنهادی با واقعیت‌های موجود است؛ در این بخش اجزای سیستم کنترل رژیم صهیونیستی بر علیه نفوذ منطقه‌ای جمهوری اسلامی ایران با استفاده از شواهد و اطلاعات منتشر شده حاضر بررسی و تبیین می‌شود. خرده شبکه‌های ذیل در پیوند با یکدیگر تشکیل دهنده شبکه گسترده کنترلی هستند که با هدف محدودسازی و مهار رفتارهای منطقه‌ای جمهوری اسلامی ایران هویت کارکردی خود را باز می‌یابند. رهنامه‌های ذکر شده در قالب رویکرد شبکه‌ای رژیم صهیونیستی به صورت عملیاتی در حال اجرا هستند.

### خرده شبکه دسترسی درون سرزمینی

در این خرده شبکه، دسترسی رژیم صهیونیستی به مراکز حساس هسته‌ای و نظامی در کنار ترور متخصصین هسته‌ای و موشکی قرار دارد. تاکتیک ترور دانشمندان هسته‌ای و موشکی جمهوری اسلامی ایران از سال ۲۰۰۰ به بعد به عنوان پرونده ایران در دستور کار موساد با حمایت آریل شارون (نخست‌وزیر وقت) قرار گرفت. (پایه، ۲۰۲۰: ۸۹) دکترین‌های داگان، حمله به اختاپوس و سند امنیتی ۲۰۳۰ نتانیا هو هر سه پشتوانه راهبردی ترورهای گزینشی و خرابکاری‌های صنعتی و نظامی بوده‌اند. در طول ۱۱ سال (از ۱۳۸۸ تا ۱۳۹۹) ۷ عملیات ترور توسط رژیم صهیونیستی با همکاری آمریکا انجام شده است (خلیدی، ۲۰۲۱: ۱۰۲). عملیات ترور به ترتیب زمانی به شرح ذیل بوده‌اند:

- ترور اردشیر حسین‌پور (احتمالی)، دانشمند الکترومغناطیس در ۲۶ دری ۱۳۸۵
- ترور شهید مسعود علی محمدی فیزیکدان دانشگاه تهران در ۲۲ دی ماه ۱۳۸۸
- ترور شهید مجید شهریاری دانشمند هسته‌ای در دانشگاه شهید بهشتی در ۸ آذر ۱۳۸۹
- ترور ناموفق فریدون عباسی استاد فیزیک هسته‌ای دانشگاه شهید بهشتی در ۸ آذر ۱۳۸۹
- ترور شهید داریوش رضایی نژاد دانشجوی دکترای مهندسی برق در ۱ مرداد ۱۳۹۰

- ترور شهید مصطفی احمدی‌روشن مدیر بخش بازرگانی تأسیسات هسته‌ای نطنز در ۲۱ دی ۱۳۹۰
  - ترور شهید رضا قشقایی دانشمند هسته‌ای در ۲۱ دی ۱۳۹۰
  - ترور شهید محسن فخری‌زاده مهابادی استاد فیزیک هسته‌ای و رئیس سازمان پژوهش و نوآوری وزارت دفاع در ۷ آذر ۱۳۹۹.
- علاوه بر ترور دانشمندان هسته‌ای، در طول چندسال اخیر روند فزاینده‌ای از اقدامات و عملیات خرابکارانه در داخل و خارج از کشور، علیه جمهوری اسلامی ایران انجام شده است که عبارتند از:
- حمله سایبری با استفاده از بدافزار استاکس‌نت به تأسیسات هسته‌ای کشور در سال ۱۳۸۹
  - انفجار در صنایع موشکی شهید همت واقع در منطقه خجیر پارچین در جمعه ۶ تیر ۱۳۹۹
  - انفجار تأسیسات هسته‌ای نطنز در ۱۲ تیرماه ۱۳۹۹
  - انفجار در تأسیسات غنی‌سازی نطنز در ۲۲ فروردین ۱۴۰۰

### خرده شبکه جاسوسی در همسایگان مرزی

ایجاد پایگاه‌های جاسوسی و نظامی در کشورهای همسایه جمهوری اسلامی ایران در یک دهه اخیر یکی از مهم‌ترین ابزارهای مهار توسط رژیم صهیونیستی بوده است. در خوشه شامات حضور جاسوسان رژیم صهیونیستی در سوریه، لبنان و کردستان عراق سبب شده است تا تحرک نیروهای مقاومت رصد شود و حملات هوایی و ترورهای هوشمند مانند ترور شهید مغنیه با ظریب موفقیت بالا به انجام برسد. رصد کدهای فرماندهان مقاومت با استفاده از فناوری‌های کدشکن توسط واحد اطلاعاتی ۸۲۰۰ به ترور عماد مغنیه منجر شد. در ترور مغنیه از سیستم عملیاتی جدیدی به نام هاگینت<sup>۱</sup> که ترکیبی از جاسوسی انسانی و

---

1. HUGINT

الکترونیکی بود استفاده شد. حضور پایگاه‌های اطلاعاتی رژیم صهیونیستی در جزایر تحت کنترل نیروهای متحد عربستان و امارات متحده عربی در یمن و دریای سرخ نشان‌دهنده حضور اطلاعاتی رژیم صهیونیستی در مرزهای جنوبی جمهوری اسلامی ایران است (روزنبرگ، ۲۰۲۱: ۴۹).

### خرده شبکه متحدین منطقه‌ای

با اضمحلال ایدئولوژی ناسیونالیسم عربی و مطرح شدن جمهوری اسلامی ایران به عنوان تهدید مشترک منطقه‌ای رژیم صهیونیستی توانسته است در قالب توافق‌نامه صلح ابراهیم و برقراری مناسبات نزدیک و پنهانی با عربستان سعودی ائتلافی ضدایرانی از خوشه شامات تا خوشه خلیج فارس تشکیل دهد. مقابله با محور مقاومت و نفوذ منطقه‌ای جمهوری اسلامی ایران مهم‌ترین عامل انسجام اتحاد مذکور با همراهی آمریکا بوده است. رژیم صهیونیستی با تقویت پیوندهای اطلاعاتی و نظامی با برخی واحدهای دولتی خوشه خلیج فارس تعادل آسیب- فرصت را به نفع افزایش فرصت‌های راهبردی جهت معماری نظم امنیتی آینده خوشه خلیج فارس تغییر دهد.

رژیم صهیونیستی توانسته است با طرح تهدید نفوذ منطقه‌ای جمهوری اسلامی ایران به عنوان تهدید مشترک با برخی اعراب خوشه خلیج فارس و خوشه شامات به توافق راهبردی برسد و از ضایعه‌ای امنیتی در دوره جنگ سرد به بازیگر فروشنده کالای امنیت تبدیل شود. کمک‌های آموزشی رژیم صهیونیستی به عربستان سعودی و امارات در قالب حضور ۷۰ متخصص و کارشناس نظامی صهیونیستی و متخصصین امور راداری در اتاق‌های عملیات این کشورها در المخا در سال‌های اخیر صورت گرفته است (پرایسرت، ۲۰۱۸: ۵۴). آموزش نیروهای اماراتی توسط رژیم صهیونیستی در امارات در زمینه‌های مختلف از طریق شرکت‌های خارجی مانند شرکت امنیتی امریکایی سبایر اوبریشن با هدف ترور مخالفین امارات و مجلس انتقالی در استان عدن از جمله کمک‌های فنی به امارات بوده

است (سلیمانی، ۱۴۰۰: ۴۱)؛ همچنین تحرکات امارات در جزایر مختلف یمن به‌ویژه سقطرا و میون با حمایت رژیم صهیونیستی رخ داده است.

### خرده شبکه قدرت‌های فرامنطقه‌ای

رژیم صهیونیستی همواره از تعارض راهبردی ج.ا.ایران و قدرت‌های غربی و به‌طور خاص آمریکا برای متقاعدسازی آمریکا و متحدین آن جهت افزایش فشارهای تحریمی بر ج.ا.ایران و فروش تسلیحات پیشرفته نظامی به رژیم صهیونیستی استفاده کرده است (آبرامز، ۲۰۲۱: ۱۰۳). فروش هواپیماهای جنگنده سری اف و بمب‌افکن‌های سنگرشکن همواره جهت تقویت موقعیت تهاجمی رژیم صهیونیستی نسبت به جمهوری اسلامی ایران انجام شده است. تعهد آمریکا مبنی بر اولویت امنیت رژیم صهیونیستی در توافقات احتمالی هسته‌ای با ج.ا.ایران و مخالفت رژیم صهیونیستی با لغو تحریم‌های هسته‌ای و موشکی از دیگر امتیازاتی است که از خرده شبکه قدرت‌های فرامنطقه‌ای نسیب رژیم صهیونیستی شده است. حمایت‌های آمریکا از رژیم صهیونیستی پس از دهه ۱۹۵۰ با رشد شدیدی همراه بوده است. در بعد حمایت‌های سیاسی آمریکا تا سال ۲۰۰۶ در جهت حمایت از رژیم صهیونیستی ۴۲ قطعنامه ضداسرائیلی شورای امنیت را وتو کرده است؛ این تعداد بیش از نیمی از همه توه‌های آمریکا در این دوره بوده است (مرشایمر و والت، ۲۰۰۷: ۴۰).

اتحادیه اروپا و اعضای ناتو با تحریم برخی مقامات نظامی و سیاسی ج.ا.ایران در قالب خرده شبکه قدرت‌های فرامنطقه‌ای رژیم صهیونیستی به ایفای نقش می‌پردازند و این رژیم از این ظرفیت سیاسی و اقتصادی همواره استفاده کرده است. رژیم صهیونیستی با قرار دادن اطلاعات هسته‌ای و نظامی ج.ا.ایران در اختیار اعضای ناتو به‌دنبال برجسته‌سازی تهدید امنیتی جمهوری اسلامی ایران برای این کشورها جهت متقاعدسازی آن‌ها برای استمرار تحریم‌های دیپلماتیک و اقتصادی بوده است. اروپایی‌ها اگرچه مخالف یک‌جانبه‌گرایی آمریکا بوده‌اند؛ اما تحریم‌های ثانویه آمریکا بر علیه ج.ا.ایران را رعایت کرده‌اند.



### بهره‌گیری محدود از قدرت سخت‌افزاری

حفظ برتری هوایی و مقابله نظامی محدود با نیروهای نظامی محور مقاومت در سوریه و لبنان یکی از مهم‌ترین ابزارهای رژیم صهیونیستی جهت مقابله با جمهوری اسلامی ایران در قالب رهنامه دست کشیده بوده است. حمله به نیروهای مقاومت با کمک نیروهای اطلاعاتی و جاسوسی در سوریه موجب وارد آمدن تلفات زیادی به نیروهای مقاومت شده است. رژیم صهیونیستی در سال ۱۹۷۶ اعلام کرد که می‌تواند با اقدامات نظامی و توسل به زور علیه کشوری که نمی‌تواند یا نمی‌خواهد از حمله به این رژیم از قلمرو خود جلوگیری کند از خود دفاع کند. (سالنامه سیاسی و امنیتی سازمان ملل، ۱۹۷۹: ۳۳۲). رژیم صهیونیستی با دست‌اویز قرار دادن دکترین حقوقی نخواستن یا نتوانستن اقدام به حملات هوایی به کشورهای همسایه کرده است. بر اساس دکترین نخواستن یا نتوانستن که تقریباً در تمامی تجاوزات رژیم صهیونیستی به گروه‌های مقاومت مورد استناد قرار می‌گیرد؛ نخواستن یا نتوانستن دولت‌های میزبان بازیگران غیردولتی در مقابله با این بازیگران معیار قانونی بودن توسل به زور محسوب می‌شود (گرف، ۲۰۱۳: ۶۲۵).



شکل ۴. اجزای سیستم کنترل شبکه‌ای هوشمند رژیم صهیونیستی (منبع: نگارنده)

## نتیجه‌گیری و پیشنهاد

رقابت‌های و تقابل‌های راهبردی رژیم صهیونیستی و جمهوری اسلامی ایران پس از پیروزی انقلاب اسلامی از فراز و نشیب‌های بسیاری برخوردار بوده است. جنگ‌های حزب-الله لبنان و حماس با رژیم صهیونیستی؛ علی‌رغم نامتقارن بودن قدرت طرفین به تضعیف بازدارندگی و اعتبار امنیتی این رژیم منجر شده است. خسارت‌های جنگ سی و سه روزه و تبعات سیاسی پس از آن سبب شد تا رژیم صهیونیستی تهدید امنیتی محور مقاومت با کانونیت جمهوری اسلامی ایران را جدی‌تر بگیرد و در قالب طراحی راهبردهای منطقه‌ای و سیستم‌های کنترل و مهار پیچیده متمرکز بر ج.ا.ایران به تقویت تعادل آسیب-فرصت به نفع خود اقدام کند.

تهدید محور مقاومت در شبکه نظم امنیتی غرب آسیا سبب شد تا تحول در سیستم‌های کنترل رژیم صهیونیستی صورت پذیرد. به عبارتی پیچیده شدن نظم امنیتی به همراه کانونیت جمهوری اسلامی ایران در شکل‌گیری تهدیدات امنیتی بر علیه رژیم صهیونیستی سبب تحول در سیستم کنترل و انتقال آن به نسل سوم بر مبنای شبکه‌ای و هوشمند شدن گردید. سیستم کنترل هوشمند شبکه‌ای رژیم صهیونیستی بر علیه جمهوری اسلامی ایران از اجزای مختلف و مکمل تشکیل شده است.

اجزای سیستم کنترل شبکه‌ای رژیم صهیونیستی بر علیه جمهوری اسلامی ایران و محور مقاومت عبارتند از خرده شبکه دسترسی درون‌سرزمینی، خرده شبکه جاسوسی در همسایگان مرزی، خرده شبکه متحدین منطقه‌ای، خرده شبکه متحدین فرامنطقه‌ای و بهره‌گیری محدود از قدرت سخت‌افزاری. رژیم صهیونیستی برخلاف سیستم کنترل نسل اول که بر بهره‌گیری حداکثری از قدرت سخت‌افزاری استوار بود و یا سیستم کنترل نسل دوم که بر تقویت مناسبات دیپلماتیک و مشوق‌های اقتصادی و فناورانه جهت تقویت ائتلاف‌های سیاسی تأکید داشت در سیستم کنترل نسل سوم خرده شبکه‌های هم‌پیوند با یکدیگر در کنار بهره‌گیری محدود از قدرت نظامی جهت مهار تهدیدات جمهوری اسلامی ایران و محور مقاومت را مورد استفاده قرار داده است.

بهره‌گیری از رویکرد شبکه‌ای در مطالعات ابزارهای کنترل‌کننده محیطی واحدهای منطقه-ای سبب افزایش دقت و تعمیق نگاه نظری و عینی پژوهشی می‌شود. به‌عنوان مثال ترور دانشمندان هسته‌ای و ائتلاف‌سازی با برخی اعراب منطقه به‌صورت همزمان دنبال شده است و متقاعدسازی امریکا جهت استمرار تحریم‌های اقتصادی به‌عنوان ظرفیت مکمل در کنار سایر اقدامات به‌صورت شبکه‌ای یکپارچه مورد استفاده رژیم صهیونیستی قرار گرفته است. نگارنده جهت مقابله با راهبردهای کنترل‌کننده رژیم صهیونیستی در برابر جمهوری اسلامی ایران پیشنهادات ذیل را مطرح می‌کند.

- بهره‌گیری از بازدارندگی شبکه‌ای به‌عنوان مهم‌ترین منطق عملیاتی حاکم بر سیستم بازدارندگی کشور در برابر رژیم صهیونیستی؛ در این رویکرد عملیاتی سرتاسر خوشه‌های سه‌گانه شرق، خلیج فارس و شامات مانند شبکه‌ای با گره‌های پیوندی متنوع در تعامل با یکدیگر هستند و دستکاری در هر گره ارتباطی در هر خوشه ژئوپلیتیکی می‌تواند نظم امنیتی را در سرتاسر شبکه نظم غرب آسیا تحت‌تأثیر قرار دارد. به دلیل سیال و پویا بودن ظهور و استمرار تهدیدات، نیاز به رویکرد شبکه‌ای در طراحی بازدارندگی منطقه‌ای از اهمیت بالایی برخوردار است.
- تعمیق نگاه‌های ژئواکونومیک و ژئوکالچری به شبکه نظم امنیتی غرب آسیا جهت تقویت رویکرد سلبی ژئوپلیتیکی نسبت به نفوذ منطقه‌ای رژیم صهیونیستی؛ بازارهای تجاری و کالاهای فرهنگی جمهوری اسلامی ایران می‌توانند سبب تقویت نفوذ امنیتی در برابر رژیم صهیونیستی شوند. تمرکز تک‌بعدی جمهوری اسلامی ایران بر استفاده از ابزارهای سخت‌افزاری نفوذ منطقه‌ای به تضعیف سایر ابزارهای نفوذ از جمله نفوذ نرم‌افزاری می‌انجامد.
- طراحی راهبرد مشخص منطقه‌ای تحت عنوان «سیاست همسایگی» جهت کاهش آسیب‌ها و شکاف‌های امنیتی با همسایگان مرزی؛ در این نوع از سیاست تقویت پیوندهای سیاسی و اقتصادی- فرهنگی جهت برطرف ساختن تعارضات مرزی در دستور کار قرار می‌گیرند.

- تقویت پیوند با قدرت‌های فرامنطقه‌ای جهت تعمیق عمق راهبردی در چارچوب تقویت پیوندهای چندبعدی با قدرت‌های نوظهور شرقی، آمریکای لاتین و آفریقایی؛ وجود ظرفیت‌های گسترده همکاری‌های اقتصادی با استفاده از ارزهای ملی و انتقال فناوری‌های مورد نیاز کشور در تعامل با قدرت‌های نوظهور می‌تواند به کاهش آسیب‌پذیری‌های تحریمی کمک کند و زمینه را جهت تقویت موضع راهبردی در برابر غربی‌ها فراهم سازد.

## فهرست منابع و مآخذ

### الف. منابع فارسی

- ابراهیمی کیاپی، هادی (۱۳۹۹)، «تقابل راهبردهای جمهوری اسلامی ایران و رژیم صهیونیستی در منطقه استراتژیک قفقاز»، فصلنامه پژوهش‌های راهبردی سیاست، سال نهم، ش ۳۲، ش پیاپی ۶۱، بهار.
- جهانگیری، رضا (۱۳۹۸)، «واکاوی منافع رژیم صهیونیستی در شکل‌گیری یا عدم شکل‌گیری کردستان بزرگ»، ماهنامه آفاق علوم انسانی، ش بیست و هشتم، مرداد.
- حمیدی، سمیه (۱۴۰۰)، «واکاوی اثرات ژنوم ژئوپلتیک بر سیاست خارجی (مطالعه موردی: رژیم صهیونیستی و سوریه)»، مطالعات بیداری اسلامی، س دهم، ش اول، پیاپی ۱۹، بهار.
- خدیمی، مسعود (۱۳۹۹)، «سیاست‌های نظامی رژیم صهیونیستی از بدو تأسیس تا سال ۲۰۲۰ با استناد به مدل راهبردی دیوید»، دانش تفسیر سیاسی، س دوم، ش ۵، پاییز.
- رجبی، محمد (۱۴۰۰)، «راهبردهای نظامی و امنیتی رژیم صهیونیستی در رویارویی با مقاومت اسلامی مورد مطالعه: بحران سوریه»، مطالعات بیداری اسلامی، س دهم، ش سوم، پیاپی ۲۱، پاییز.
- ساسانیان، سعید (۱۳۹۷)، «ارزیابی الگوی بازدارندگی حزب‌الله لبنان در برابر رژیم صهیونیستی»، فصلنامه مطالعات راهبردی، س بیست و یکم، ش اول، ش مسلسل ۷۹، بهار.
- سعادت‌قلی‌پورادر، علی (۱۳۹۳)، «بررسی نشانگاه‌های اطلاعاتی - امنیتی رژیم صهیونیستی در جمهوری آذربایجان و امنیت ملی جمهوری اسلامی ایران»، فصلنامه مجلس و راهبرد، س بیست و یکم، ش هفتاد و هشت، تابستان.
- سلیمانی، زهرا (۱۴۰۰)، «نقش‌آفرینی رژیم صهیونیستی در بحران یمن و بایسته‌های رسانه‌ای»، پژوهش‌نامه رسانه بین‌الملل، س ششم، ش هشتم، پاییز و زمستان.
- لطفی، مهرعلی (۱۴۰۰)، «بررسی و تحلیل پیشران‌های حکم بر ساختار سیاسی رژیم صهیونیستی»، نشریه علمی مطالعات انقلاب اسلامی، دوره ۱۸، ش ۶۶، پاییز.

### ب. منابع انگلیسی

- Abrams, A (2021). World War in Syria: A Global Conflict Waged on Middle Eastern Battlefields, Clarity Press .
- Ahronheim, A (13 February 2020). IDF appoints general to lead new Iran Command as threat escalates, The Jerusalem Post, [Online]. Available:

<https://www.jpost.com/israel-news/idf-appoints-general-to-head-up-new-iran-command-as-threat-escalates-617507>.

- Alcadipani, Rafael and Hassard, John, 2010, Actor-Network theory, organizations and critique: towards a politics of organizing, *Organization* 17(4).
- Ball, George W. and Ball, Douglas B. (1992). *The Passionate Attachment: America's involvement with Israel, 1947 to the Present*. New York and London: W.W. Norton & company.
- Cantorini, Louis J. and Spiegel, Steven L (1970). *The International Politics of Regions: A Comparative Approach*. Englewood Cliffs, N.J.: Prentice-Hall.
- Entous, Adam; Osnos, Evan (10 February 2020). Qassem Suleimani and How Nations Decide to Kill, *New Yorker Magazine*, [Online]. Available: <https://www.newyorker.com/magazine/2020/02/10/qassem-suleimani-and-how-nations-decide-to-kill>
- Gareth, Williams, D., (2013) Piercing the Shield of Sovereignty: An Assessment of the Legal Status of the "Unwilling or Unable" Test, *University of New South Wales Law Journal*, Vol. 36, No. 2.
- Gregory Taylor, Jon (2021). *Mossad Vengeance*, Desert Publishing.
- Herzog, M (2015). *New IDF Strategy Goes Public*, The Washington Institute for Near East Policy.
- Israel is world's 10th largest arms exporter, report says (2022). see to: <https://www.middleeastmonitor.com/20220405-israel-is-worlds-10th-largest-arms-exporter-report-says/>
- Katton, Victor (2006). *Israel, Hezbollah and the Conflict in Lebanon: An Act of Aggression or Self-Defense?*, Human Rights Brief 14, no.1.
- Khalidi, Rashid (2021). *Hundred Years' War on Palestine*, Picador Paper.
- Lake, David, Morgan, Patrick (1997). *Regional Orders: Building Security in a New World*, Penn State University Press.
- Lappin, Yaakov (22 March 2020). *The IDF's Momentum Plan Aims to Create a New Type of War Machine*, BESA Center Perspectives, Paper No. 1,497.
- Martin, Craig (2019) Challenging and Refining the "Unwilling or Unable" Doctrine, *Vanderbilt Journal of Transnational Law*, Vol. 52.
- Mearsheimer, John and Walt, Stephen M. (2007). *The Israel Lobby and US Foreign Policy*. New York: Allen Lane.
- Payne, Ronald (2020). *Mossad: Israel's Most Secret Service*, Lume Books .
- Prissert, Franck (2018). *Between Obama's Lines: How We Almost Lost the Middle East, the Cold War, and the Atlantic Alliance*, The Other Street.
- Shavit, Shabtai (2020). *Head of the Mossad: In Pursuit of a Safe and Secure Israel*, University of Notre Dame Press.

- UN Yearbook Political and security questions 1979.
- White, Jeffrey (2014), "Hizb Allah at War in Syria: Forces, Operations, Effects and Implications", Washington Institute, <http://www.washingtoninstitute.org/policy-analysis/view/hizb-allah-at-war-in-syria-forces-operations-effects-and-implications>.
- Williams, Dan (17 September 2013). Now Israel Says It Wants to Whack Syria's Assad, [Online]. Available: <http://www.businessinsider.com/israel-wants-to-topple-assad-regime-2013-9>.

